

فصلنامه علمی - تخصصی
مطالعات قرآنی نامه جامعه
سال هجدهم - شماره ۱۳۶
زمستان ۱۳۹۹

اختلاف قرائت سوره اسراء در سنجه تفاسیر فریقین

هنگامه آراسپ^۱

چکیده

علم قرائت، علمی است درباره قرائت قرآن که کلام وحی و معجزه جاوید پیامبر گرامی ﷺ است. از این رو، شناسایی اختلاف قرائت الفاظ قرآنی و بررسی نقش آنها در تفاسیر، اهمیت ویژه‌ای دارد. در این نوشتار، موارد اختلاف قراء هفتگانه، در مورد برخی واژگان سوره اسراء، بررسی و اختلاف تفسیری این موارد، به صورت تطبیقی، تحلیل شده است. همچنین میزان اختلاف، بر اساس روایت حفص از عاصم، به عنوان مشهورترین قرائت، توسط جدول و نمودار مشخص شده و نقش اختلاف در قرائت برخی واژگان این سوره در تغییر یا عدم تغییر معانی کلمات و آیات آن، مورد توجه قرار گرفته است. در انجام این تحقیق، از منابع کتابخانه‌ای و از روش تحلیلی و توصیفی بهره برده ایم. این تحقیق نشان داد مدعای عدم وقوع تحریف در قرآن، ناظر به عدم وقوع تحریف به زیاده و نقصان در قرآن است نه مطلق انواع تحریف؛ زیرا تحریف معنوی، در قالب ترجمه‌ها و تفاسیر مختلف رخ داده است. البته مسئله «اختلاف در قرائت»، تحریف لفظی است، ولی میزان تاثیر آنها در معانی واژگان آیات سوره اسراء اندک بوده و اغلب در نهایت، مفهوم یکسانی از آیه به دست آمده است. گاهی تغییراتی مانند مبالغه و تاکید یا التفات از مقام غایب به مخاطب یا برعکس یا به صورت مفرد و جمع ایجاد شده است. در بعضی موارد نیز منجر به تغییر معنایی در آیه شده است. از مجموعه ۲۸ مورد اختلاف قرائت در سوره اسراء، ۱۲ مورد همراه با تغییر معنایی و تعداد ۱۶ مورد، بدون تغییر معنایی است. **واژگان کلیدی:** اختلاف قرائت بدون تغییر در معنا، اختلاف قرائت در سوره اسراء، اختلاف قرائت همراه با تغییر معنا.

۱. دانش‌پژوه سطح ۴ رشته تفسیر تطبیقی مجتمع آموزش عالی تخصصی کوثر تهران؛ hengame14@gmail.com

مقدمه

قرائت، دانش شیوه خوانش قرآن و یکی از مباحث علمی در حوزه «قرآن‌شناسی» است که مطالعه درباره آن می‌تواند راهگشای محققینی باشد که به دنبال شیوه و تأثیر قرائت در تفسیر قرآن بوده‌اند؛ همچنین می‌تواند بهره‌افری را از جهت فهم و درک قرآن، به‌ویژه در حوزه تفسیر و ترجمه کلام الهی در پی داشته باشد.

تنوع در خط عربی، لهجه‌ها و اجتهاد قراء، از جمله عوامل مؤثر در به‌وجود آمدن اختلاف قرائت قرآنی محسوب می‌شوند. ابن مجاهد تمیمی، قرائت را به هفت تن از بزرگان علم قرائت در قرن دوم هجری، که بر تعلیم قرائت قرآن بین مسلمانان نظارت داشته‌اند، محدود و منسوب کرده است. این قراء عبارتند از: نافع مدنی اصفهانی، ابن کثیر مکی ایرانی، عاصم کوفی، حمزه کوفی ایرانی، کسائی کوفی ایرانی، ابو عمرو بصری ایرانی و ابن عامر دمشقی (عظیم‌زاده، ۱۳۸۰، ص ۹۸-۱۰۱). قرائت، بر مبنای سه اصل: صحت سند، مطابقت با مصحف متواتر پیشینیان و موافقت با قواعد صرف و نحو مشهور (که ما را به قرائت صحیح می‌رساند)، پایه‌گذاری شده است. از طرفی، اسناد اکثر قراء، خبر واحد بوده که مورد تأیید همه متخصصان این علم قرار نگرفته و باعث اختلاف نظر گردیده است. از سوی دیگر، قرائت حفص و عاصم، قرائت عموم مسلمین را به همراه داشته و آنان را پایبند به این قرائت کرده است. حفص شاگرد عاصم بود و او، این قرائت را از استاد خود، عبدالرحمان سلمی و او، آن را از امیرمؤمنان علی علیه السلام فرا گرفته است. آن حضرت نیز تنها قرائتی را تلاوت می‌کرد که مطابق با نص اصلی وحی و متواتر در بین مسلمانان بوده است (معرفت، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۲۴۵)؛ لذا قرائت او، مورد اطمینان عام و خاص شده و قرآن کنونی در دست مسلمانان، مبتنی بر این قرائت است. پس می‌توان قرائت سایر قراء را با قرائت حفص مورد سنجش قرار داد و حدود اختلاف قرائت را دریافت کرد.

درباره اختلاف قرائت، کتب و مقالاتی نگاشته شده است که برخی از آنها عبارتند از: کتاب «اختلاف قرائت قرآنی و جریان تاریخی فرهنگی اهل بیت علیهم السلام» از محمد عترت دوست، «التمهید فی علوم القرآن» نوشته محمد هادی معرفت، «معجم القرائات» از عبداللطیف، «التیسیر فی

القرائات السبع» و «جامع البيان في القرائات السبع» به قلم الدانی و تفاسیری چون «زادالمسیر» ابن جوزی، «مجمع البيان» طبرسی و... نیز مقالاتی همچون: «نقش اختلاف قرائات بر تغییر معنا در سوره مبارکه كهف» از علی اسودی و نسیم تیموری، «واکاوی تاثیر اختلاف قرائات سبع در تفسیر سوره نور» از سمیه صیادی و سیدمحمد میرحسینی، «تاثیر اختلاف قرائات در تفسیر و فهم برخی از آیات سوره بقره» نگارش طاهره محسنی و خدیجه احمدی بیغش و «قرائات مختلف از تعبیر ال یاسین در آیه ۱۳۰ سوره صافات و تفاسیر مبتنی بر هر یک از این خوانش‌ها» از مجید چهری نگاشته شده است.

در پژوهش حاضر سعی شده است که آیات از سه منظر: ارزیابی اختلاف در قرائات، تفاوت دیدگاه‌های تفسیری در این اختلافات و ارزیابی اختلاف در قرائت، مورد بررسی قرار گیرد و نتیجه حاصل را با نمودار و جدول به تصویر بکشد که کمتر در مقالات دیگر دیده شده است. این پژوهش به روش تحلیلی، درصدد واکاوی اختلاف قرائات در سوره اسراء بوده تا به این پرسش‌ها پاسخ دهد:

۱. تأثیر یا عدم تأثیر اختلاف قرائات در معنای کدام آیات این سوره مشهود است؟
۲. میزان تفاوت معنایی و جهت اختلاف قرائات در معنای آیات به چه صورت است؟
۳. کدام مؤلفه‌ها در دستیابی به قرائت صحیح از میان قرائات هفتگانه مؤثرند؟

۱. مفهوم‌شناسی قرائت

واژه «قرائت» به معنای پیوستن و متصل ساختن بعضی از حروف و کلمات به بعضی دیگر در آشکارخواندن قرآن (به طور ترتیل) است. در نتیجه، اداکردن یک حرف از حروف الفباء را قرائت نمی‌گویند. واژه «قرآن»، مصدر فعل «قرأ» و به معنای خواندن است (راغب، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۱۸۰). قرائت از نگاه دانشوران علوم قرآنی و مفسران، علم به کیفیت ادای کلمات است و اختلاف این کیفیت، که به ناقل و راوی آن بازمی‌گردد، باید همخوان با اجتهاد یکی از قاریان معروف باشد. زرکشی، اختلاف در قرائات را عبارت از اختلاف مربوط به الفاظ و عبارات وحی دانسته و

می‌گوید: «این اختلاف، در ارتباط با حروف و کلمات قرآن و کیفیت آنها (از قبیل اظهار، ادغام، تفخیم، ترقیق، إماله تخفیف و تشریح و امثال آن) از سوی قراء است». (زرکشی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۱۸)

۲. معرفی اجمالی سوره اسراء

این سوره صدویازده آیه دارد. آلوسی می‌گوید: «در بیشتر مصاحف با نام «اسراء» آمده و به نام «سبحان» نیز خوانده می‌شود، چون به این تعبیر، آغاز شده است» (ابن‌عاشور، بی تا، ج ۱۴، ص ۵). برخی نام مشهور این سوره را «بنی اسرائیل» دانسته‌اند؛ زیرا بخش قابل ملاحظه‌ای، در آغاز و پایان این سوره، درباره بنی اسرائیل است (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۲). قرطبی نام «اقصی» را نیز برای این سوره ذکر کرده است. (الدانی، ۱۴۲۸، ج ۳، ص ۱۲۸)

در اینکه این سوره در مکه نازل شده، اختلافی نیست؛ ولی برخی مفسران، پنج الی هشت آیه از آن را مدنی دانسته‌اند؛ هر چند در مضامین آیات مذکور، هیچ دلیلی بر اینکه در مدینه نازل شده باشند، دیده نمی‌شود. همچنین احکامی هم که در این آیات هست، احکامی نیست که نزولش اختصاص به مدینه داشته باشد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۳)

از مجموع آیات سوره اسراء، در ۲۸ مورد، اختلاف قرائت با قرائت مشهور وجود دارد که ۱۶ مورد آن، تغییری در معنای کلمات ایجاد نکرده است. در این نوشتار، ابتدا همین بخش بررسی می‌شود و در مرحله بعد، به بررسی موارد دوازده‌گانه اختلاف قرائت، که در معنای آیات موثر هستند، پرداخته خواهد شد.

۳. مصادیق اختلاف در قرائت غیر مؤثر در معنا

۳.۱. آیه دوم سوره اسراء

«وَأَتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا تَتَّخِذُوا مِنْ دُونِي وَكَيْلًا، مَا بِهِ مَوْسَى، كِتَابَ آسْمَانِي دَادِيمٍ وَأَن رَّا وَسِيلَهُ هِدَايَتِ بَنِي إِسْرَائِيلَ نَمُودِيمِ (و گفتیم) غیر ما را تکیه‌گاه خود قرار ندهید».

۳,۱,۱. اختلاف قرائت در واژه ترکیبی «أَلَّا تَتَّخِذُوا»

ابوعمر و بصری ایرانی، واژه را با «یاء» (یتخذوه) خوانده و بقیه قراء آن را با «تاء» خوانده‌اند (الدانی، ۱۴۲۸، ج ۳، ص ۱۲۸۱ و الفارسی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۸۳). صاحب معجم القرائات، قرائی همچون: ابن کثیر، نافع، ابن عامر، عاصم، حمزه، کسایی ابوجعفر و یعقوب را در شمار قرائت دوم نام برده است. (خطیب، ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۶۰)

۳,۱,۲. تفاوت دیدگاه‌های تفسیری با توجه به اختلاف در قرائات «أَلَّا تَتَّخِذُوا»

برخی مفسران، فراز «هدیناهم لئلا یتخذون» را ناظر به بنی اسرائیل دانسته و در نتیجه، قرائت دوم (تتخذوا) را از باب انصراف از «غیبت» به «خطاب» بیان کرده‌اند؛ همان‌گونه که در سوره حمد، پس از ذکر «الحمد لله» (که با ساختار اسم ظاهر است و به منزله «غیبت» محسوب می‌شود)، فرمود «ایاک». (ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۹۰؛ الفارسی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۸۳؛ ابن خالویه، ۱۴۲۱، ص ۲۱۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۴۸؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۲۴۸؛ ابن عاشور، بی تا، ج ۱۴، ص ۱؛ قمی، ۱۳۶۸، ج ۷، ص ۳۵۴ و طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۷۸، ص ۱۴)

۳,۱,۳. ارزیابی اختلاف در قرائت «أَلَّا تَتَّخِذُوا»

اختلاف در قرائت «أَلَّا تَتَّخِذُوا»، مربوط به مخاطب و مغایب است که به بنی اسرائیل برمی‌گردد و در نهایت، هر دو قرائت، معنای یکسانی می‌یابند؛ ولی قرائت مشهور، بهتر به نظر می‌رسد؛ چون با تعبیر خطابی بعدی «لْتَفْسِدَنَّ» سازگاری بیشتری دارد.

۳,۲. آیه هفتم سوره اسراء

﴿فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ؛ هنگامی که وعده دوم فرا رسد، آثار غم و اندوه در صورت‌هایتان ظاهر می‌شود﴾.

۳,۲,۱. اختلاف در قرائت واژه ترکیبی «لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ»

- ابوبکر و ابن عامر و حمزه، واژه «لِيَسُوءَ» را با یاء منصوب و با یک همزه، قرائت کرده‌اند.
- کسایی، آن را با نون و نصب همزه و به شکل جمع (لنسووا) خوانده است.

- بقیه قراء، این کلمه را با یاء و همزه مضموم و جمع خوانده‌اند: (لِیسُوؤًا). الدانی، قرائت سوم را بهتر از بقیه دانسته است. (الدانی، ۱۴۰۴، ص ۱۳۹ و الدانی، ۱۴۲۸، ج ۳، ص ۱۲۸۲ و الجزری، ۱۴۲۱، ص ۴۳۵) برخی دانشوران، کسانی همچون: ابن کثیر، نافع، أبو عمرو و حفص را از موافقان با قرائت سوم یعنی «لِیسُوؤًا» گفته‌اند. (الفارسی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۸۵؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۱۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۳۰۲ و ابن عاشور، بی تا، ج ۱۴، ص ۳۰)

۳، ۲، ۲. تفاوت دیدگاه‌های تفسیری با توجه به اختلاف در قرائت «لِیسُوؤًا وَجُوهُکُمْ»

- دلیل قرائت «لِیسُوءٍ»، تحقق وعده عذاب از جانب خداوند است و ضمیر مقدر در آن هم به «خدا» یا «بعث» برمی‌گردد.

- موافقان قرائت دوم «لِیسُوؤًا»، ضمیر مقدر در آن را به کسانی که خانه‌ها را گشته‌اند، بازمی‌گردد؛ اما علت اینکه به خداوند نسبت داده شده، این است که کار آنها با نیروی خداوندی صورت گرفته است. - کسی که واژه «لِیسُوؤًا» را با ضم «یا» و همزه خوانده، آن را فعل بنیدگان قرار داده و تقدیر آن، «بعثناهم لیسوؤا وجوهکم» است که فعل «بعثنا» به قرینه سابق حذف شده است. (ابن خالویه، ۱۴۲۱، ص ۲۱۴؛ ابن عاشور، بی تا، ج ۱۴، ص ۳۰؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۲، ص ۱۹۳؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۴، ص ۸۸؛ ابن جوزی، ج ۳، ص ۱۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۳۰۲؛ سمرقندی، بی تا، ج ۲، ص ۳۰۲؛ ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۷، ص ۱۶۰؛ قمی، ج ۷، ص ۳۵۹-۳۶۸ و عکبری، بی تا، ج ۱، ص ۲۳۵)

۳، ۲، ۳. ارزیابی اختلاف در قرائت «لِیسُوؤًا وَجُوهُکُمْ»

ظاهراً اختلاف قرائات در مورد فاعل واژه «لِیسُوؤًا» است که در واقع همه قرائات به یک معنا بازمی‌گردد و آن این است که این کار با قدرت الهی انجام می‌شود؛ ولی وجه سوم «لیسوؤا» که قرائت مشهور است به قرینه «لِیَتَّبِرُوا» مذکور در آیه، با سیاق آیه سازگارتر به نظر می‌رسد.

۳، ۳. آیه نهم سوره اسراء

﴿وَيَبْسُرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ؛ وَ بِهِ مُمْنَانِي كَه عَمَل صَالِح اِنجَام می دهند

بشارت می دهد﴾.

۳,۳,۱. اختلاف در قرائت واژه ترکیبی «يَبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ»

حمزه و کسائی، کلمه «یَبَشِّرُ» را با فتح یاء، سکون باء، ضَمّ و تخفیف شین و بقیه قراء، آن را با ضَمّ «یاء» و کسر شین و به صورت مشدّد قرائت کرده‌اند. (الدانی، ۱۴۰۴، ص ۸۷؛ جامع‌البیان، ۱۴۲۸، ج ۳، ص ۹۶۲؛ خطیب، ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۲۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۲۲؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۲۴۹ و قمی، ۱۳۶۸، ج ۷، ص ۳۶۴)

راغب، «بشر» را به معنای ظاهر پوست بدن دانسته و می‌گوید: واژه‌های «يُبَشِّرُكَ» و «يَبَشِّرُكَ» و «يُبَشِّرُكَ» به یک معناست و آن، بشارت در خبر مسرت بخش است. (راغب، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۲۷۲)

۳,۳,۲. تفاوت دیدگاه‌های تفسیری با توجه به اختلاف در قرائت «يَبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ»

برخی مقصود از واژه «يَبَشِّرُ» را بشارت به اجری، که آن جنت است، دانسته‌اند (ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۱۲ و آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۲۲)؛ ولی زمخشری، بشارت را به ثواب اعمال نیکان و عذاب دشمنان تفسیر کرده است. (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۵۱)

۳,۳,۳. ارزیابی اختلاف در قرائت «يَبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ»

قرائت اول «يَبَشِّرُ» از «بَشَّرَ- يَبَشِّرُ» ثلاثی مجرد و به معنای «مژده می‌دهد» است و واژه «مومنین»، مفعول آن است؛ ولی قرائت دوم، «يُبَشِّرُ» به باب تفعیل رفته و آن نیز واجد معنای «بشارت می‌دهد» است. لذا با وجود اختلاف در قرائت، تغییری در معنا ایجاد نمی‌شود.

۳,۴. آیه سیزده سوره اسراء

﴿خُرُجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا؛ روز قیامت، کتابی برای او (انسان) بیرون می‌آوریم که آن را در برابر خود گشوده می‌بیند﴾.

۳,۴,۱. اختلاف در قرائت واژه ترکیبی «يَلْقَاهُ»

- ابن‌عامر یاء «يَلْقَاهُ» را مضموم و قاف را مشدّد قرائت کرده است.
- بقیه قراء سبعة، «یاء» را مفتوح و لام را ساکن و قاف را با تخفیف، (یلقاه) قرائت کرده‌اند.

(الدانی، ۱۴۰۴، ص ۱۳۹؛ همان، ۱۴۲۸، ج ۳، ص ۱۲۸۳؛ الفارسی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۸۷؛ الجزری، ۱۴۲۱، ص ۴۳۶؛

ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۱۴ و ابوحنبل، ۱۴۲۰، ج ۷، ص ۲۲)

بعضی، ابو جعفر را به قُرَاء قرائت اول افزوده‌اند. (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۴، ص ۱۰۱ و ابوالفتوح رازی،

۱۴۰۸، ج ۱۲، ص ۱۹۸)

۳، ۴، ۲. تفاوت دیدگاه‌های تفسیری با توجه به اختلاف در قرائت «يَلْقَاهُ»

دو واژه «یلقاه» و «منشوراً»، دو صفت برای «کتاب» هستند (ابوحنبل، ۱۴۲۰، ج ۷، ص ۲۲). صاحب مجمع البیان، آیه «وَيَلْقَوْنَ فِيهَا رَحِيمَةً وَسَلَامًا» (فرقان: ۷۵) را شاهد قرائت «تَلْقَاهُ» دانسته است (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۴، ص ۱۰۱). صاحب روض الجنان، «يَلْقَاهُ» را یک مفعولی و «يَلْقَاهُ» را دومفعولی دانسته است و می‌گوید: بنابر قرائت مشهور، آدمی آن نامه را افراخته بیند و «یلقاه» یعنی، یلقى الانسان ذلك الكتاب منشورا. چنان‌که مفعول اول، مقدر باشد و حرف «ها»، ضمیر «کتاب» و مفعول الثانی باشد. (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۲، ص ۱۹۸)

۳، ۴، ۳. ارزیابی اختلاف در قرائت «يَلْقَاهُ»

در نتیجه واژه «يَلْقَاهُ»، فعل مضارع معلوم، به معنای «می‌یابد» و «روبرو می‌شود» خواهد بود؛ ولی «يَلْقَاهُ» (با ساختار فعل مجهول) به معنای «دریافت می‌کند» و «روبرو می‌شود» است که آیات: ۸۰ سوره قصص، ۳۵ سوره فصلت و ۷۵ سوره فرقان، شاهد آن هستند. پس تفاوت در معلوم و مجهول بودن فعل است و در این‌که ضمیر «ها»، مفعول اول است یا مفعول دوم، اختلاف نظر است؛ ولی در نهایت، معنای یکسانی ایجاد می‌شود و قول مشهور یعنی «يَلْقَاهُ»، با معنای آیه سازگارتر به نظر می‌رسد.

۳، ۵. آیه بیست و سه سوره اسراء

﴿بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَهْزُهُمَا؛

به پدر و مادر نیکی کنید. هرگاه یکی از آنها یا هر دو آنها نزد تو، به سن پیری برسند، کمترین اهانتی به آنها روا مدار و بر آنها فریاد مزن﴾

۳, ۵, ۱. اختلاف در قرائت واژه ترکیبی «إِمَّا يَبْلُغَنَّ»

حمزه و کسایی، این کلمه را «إِمَّا يَبْلُغَنَّ» با کسر نون و با بودن الف قبل نون خوانده‌اند و بقیه قراء، «إِمَّا يَبْلُغَنَّ» با فتحه نون و بدون الف؛ ولی اختلافی در تشدید داشتن نون ندارند. (الدانی، ۱۴۰۴، ص ۱۳۹؛ ابوالفتوح، ۱۴۰۸، ج ۱۲، ص ۲۰۹ و ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۱۸)

۳, ۵, ۱, ۱. تفاوت دیدگاه‌های تفسیری با توجه به اختلاف در قرائت «إِمَّا يَبْلُغَنَّ»

قرائت «یبلغَنَّ» قرائت بهتر است، زیرا فاعل آن «احدهما» است و «کلاهما» عطف بر آن می‌شود. بنابر قرائت «یبلغانَّ»، جمله «احدهما او کلاهما» تأکید یا بدل از فاعل آن است که به «والدین» برمی‌گردد. (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۴، ص ۱۱۷، ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۱۸ و ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۷، ص ۳۷)

۳, ۵, ۱, ۲. ارزیابی اختلاف در قرائت «إِمَّا يَبْلُغَنَّ»

با اینکه اختلاف قرائت، مربوط به مفرد (یَبْلُغَنَّ) و تثنیه (یَبْلُغَنَّ) است؛ ولی در نهایت، این اختلاف، تغییر معنایی ایجاد نکرده است؛ به خاطر اینکه از نظر نحوی، عطف بهتر از بدل گرفتن است و لذا قرائت «یبلغَنَّ» بهتر به نظر می‌رسد.

۳, ۵, ۲. اختلاف در قرائت واژه «أَفِّ»

- حفص و نافع از عاصم، واژه «أَفِّ» با تنوین و کسر فاء، قرائت کرده‌اند.
- ابن‌کثیر و ابن‌عامر، «أَفِّ» با فتح فاء و بدون تنوین خوانده‌اند.
- بقیه نیز «أَفِّ» با کسر فاء و بدون تنوین قرائت کرده‌اند.
- فارسی، قاریانی همچون: أبوعمر، حمزه و کسایی را به قراء قرائت دوم اضافه کرده است. (الدانی، ۱۴۰۴، ص ۱۳۹؛ همان، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۱۲۸۳، الجزری، ۱۴۲۱، ص ۴۳۵ و الفارسی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۹۴)

۳, ۵, ۲, ۱. تفاوت دیدگاه‌های تفسیری با توجه به اختلاف در قرائت «أَفِّ»

قرائت اول: کلمه «أَفِّ»، مبنی بر فتح و اسم فعل است به معنای «اتضَجَّر» یعنی ملول و خسته شدم.

قرائت دوم: «أَفِّ» بنابر اینکه تنوین تنکیر بر آن اضافه شده باشد، مثل «صَهِّ» و «مَهِّ».

قرائت سوم: «أف» بنا بر این است که معرفه باشد نه نکره و اصل این کلمه، مصدر است. (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۴، ص ۱۱۷؛ ابن خالویه، ۱۴۲۱، ص ۲۱۵-۲۱۶؛ الفارسی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۹۵ و ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۱۸)

۳, ۵, ۲, ۲. ارزیابی اختلاف در قرائت «أف»

اختلاف قراءه در قرائت واژه «اف» باعث تغییر در معنا نشده؛ زیرا حرکت و تشدید حروف، تغییری در معنا ایجاد نکرده است؛ اما «اف» که همراه با تنوین تنکیر است با وزن موسیقیایی آیه، سازگاری بیشتری دارد.

۳, ۶. آیه سی و پنج سوره اسراء

﴿وَزِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ﴾ هنگامی که پیمانانه می‌کنید، حق پیمانانه را ادا نمایید و با ترازوی درست، وزن کنید».

۳, ۶, ۱. اختلاف در قرائت واژه ترکیبی «بِالْقِسْطِ»

حفص و حمزه و کسایی «بِالْقِسْطِ» با کسر قاف و بقیه قراء، «بِالْقِسْطِ» را با ضم قاف قرائت کرده‌اند (الدانی، ۱۴۰۴، ص ۱۴۰ و الجزری، ۱۴۲۱، ص ۴۳۷). فزا گفته: حمزه آن را به حرف «صاد»، «قِسطاص» و «قِسطاس» قرائت کرده است. (ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۲۴)

۳, ۶, ۲. تفاوت دیدگاه‌های تفسیری با توجه به اختلاف در قرائت «بِالْقِسْطِ»

«قسطاس» با ضم و کسر، دو لغت فصیح هستند؛ ولی بیشتر با ضم آمده، چون مربوط به اهل لغت حجاز و معنای آن، میزان است. هر چند در اصل، لغتی رومی است که معرب شده است. از نظر آلوسی: «قسطاس» به معنای «قبان» و از «قسط» به معنای «عدل» و «طاس» به معنای ترازو است و «قسطاس المستقیم» به معنای ترازوی عدل، که هرگز در وزن خیانت نمی‌کند. از دیدگاه طبرسی نیز هر دو قرائت (کسر یا ضم قاف)، به یک معناست و به معنای قبان، میزان و عدل آمده است. (ابن خالویه، ۱۴۲۱، ص ۲۱۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۷۰ و طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۴، ص ۱۳۰-۱۳۲)

۳, ۶, ۳. ارزیابی اختلاف در قرائت «بِالْقِسْطِ»

چون دو واژه «قسطاس» و «قِسطاس» به لحاظ مفهومی، مرادف هم هستند، تغییری در معنا ایجاد نشده است.

۳,۷. آیه سی و هشت سوره اسراء

﴿لَكُلِّ ذَلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهاً؛ همه اینها گناهش نزد پروردگار تو منفور است﴾.

۳,۷,۱. اختلاف در قرائت واژه ترکیبی «کان سیئته»

- کوفیون و ابن عامر، «کان سیئته» با ضم همزه و هاء قرائت نموده‌اند.
- بقیه قراء، با فتحه همزه و «ة»، «سیئته» قرائت کرده‌اند. (الدانی، ۱۴۰۴، ص ۱۴۰ و الجزری، ۱۴۲۱، ص ۴۳۷)

- فارسی نیز ابن کثیر، نافع و ابو عمر را به جمع موافقان قرائت دوم افزوده است. (الفارسی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۱۰۲)

۳,۷,۲. تفاوت دیدگاه‌های تفسیری با توجه به اختلاف در قرائت «کان سیئته»

- بنابراین قرائت اول، ضمیر در «سیئته» به «ذلک» برمی‌گردد. طبق این معنا، همه آنچه که مورد نهی واقع شد، گناهش نزد پروردگار، مکروه است.

- بنا به قرائت دوم، کلمه «سیئته»، خبر «کان» خواهد بود؛ یعنی، همه اینها نزد پروردگار مکروه است. طبرسی می‌افزاید: «مکروها» را باید بدل بگیریم یا اینکه حال از ضمیر مستتر در ظرف است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۱۳۳؛ والدانی، ۱۴۰۴، ص ۱۴۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۴، ص ۳۴ و الفارسی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۱۰۱-۱۰۲)

زمخشری می‌گوید: سیئته، به منزله گناه و ذنب است و فرقی بین «سیئته» و «سیئته» نیست، چون زنا و سرقت هر دو سیئه هستند و مونث و مذکر ندارد. (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۶۸)

۳,۷,۳. ارزیابی اختلاف در قرائت «کان سیئته»

در نتیجه، طبق قرائت اول، ضمیر «هاء» مضاف‌الیه «سیئته» و به «ذلک» برمی‌گردد و خود کلمه «سیئته» اسم «کان» است و چنین معنا می‌شود: «تمام اینها مکروه و ناپسند است»؛ ولی طبق قرائت دوم، کلمه «سیئته»، خبر «کان» واقع می‌شود: «کان هو سیئته» که ضمیر «هو» مستتر به «ذلک» برمی‌گردد؛ لذا اختلاف موقعیت نحوی «سیئته»، تغییری در معنا ایجاد نمی‌کند، ولی قرائت اول بهتر به نظر می‌رسد؛ چون طبق آن، نیاز به تقدیرگرفتن ضمیر «هو» نیست.

۳,۸. آیه چهل و یک سوره اسراء

﴿وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَكَّرُوا؛ ما در این قرآن، انواع بیانات مؤثر را آوردیم تا متذکر شوند﴾.

۳,۸,۱. اختلاف در قرائت واژه ترکیبی «لِيَذَكَّرُوا»

حمزه و کسایی، «لِيَذَكَّرُوا» را با سکون ذال و ضم کاف و مخفف، قرائت کرده‌اند و بقیه قراء، آن را با فتح ذال و کاف و مشدد قرائت نموده‌اند. (الدانی، ۱۴۰۴، ص ۱۴۰ و الجزری، ۱۴۲۱، ص ۴۳۸)

۳,۸,۲. تفاوت دیدگاه‌های تفسیری با توجه به اختلاف در قرائت «لِيَذَكَّرُوا»

- آیه «لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» (قصص: ۵۱) شاهد بر قرائت دوم «لِيَذَكَّرُوا» است که تذکر به تدبیر شباهت دارد و «تذکر» در مقابل فراموشی نیست.

- آیه «وَأَذَكِّرُوا مَا فِيهِ» (بقره: ۶۳) نیز شاهد بر قرائت اول «لِيَذَكَّرُوا» خواهد بود؛ زیرا «ذکر» به معنای ادراک آمده است. در اینجا نیز منظور، یادآوری، در مقابل فراموشی نیست. (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۴، ص ۱۴۰؛ الفارسی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۱۰۵ و فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۳۴۶)

طبق نظر برخی، «التذکر» به معنای پندگرفتن و تدبیر و تفکر است که معنای آیه چنین می‌شود: گرداندن و پنددادنمان جز نفرت آنان را نیفزود». (ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۲۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۶۹ و آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۷۹)

۳,۸,۳. ارزیابی اختلاف در قرائت «لِيَذَكَّرُوا»

قرائت اول (لیذکروا) ثلاثی مجرد بوده و وقتی به باب تفعّل می‌رود تبدیل به «لیتذکروا» شده و «تاء» در «ذال» ادغام شده و «لیتذکروا» می‌شود. طبق شواهد قرآنی، که در تفاسیر آمده، هر دو واژه «لِيَذَكَّرُوا» و «لِيَذَكُرُوا» به معنای تدبیر و تفهیم است، لذا با اختلاف در قرائت، تغییری در معنا ایجاد نشده است.

۳,۹. آیه چهل و چهار سوره اسراء

﴿تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ؛ آسمان‌های هفتگانه و زمین و کسانی که

در آنها هستند، همه تسبیح او می‌گویند﴾.

۳,۹,۱. اختلاف در قرائت واژه ترکیبی «تَسْبِيحٌ لَهُ»

برخی از جمله ابن عامر و ابوبکر، «یسبِّح له» با یاء، قرائت نموده‌اند. (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۲۵۷)
بقیه قُراء، آن را با تاء «تسبیح» قرائت کرده‌اند (الدانی، ۱۴۰۴، ص ۱۴۰؛ الجزری، ۱۴۲۱، ص ۴۳۸ و
الفارسی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۱۰۶). طبرسی و فارسی «یسبِّح» را هم با تاء و هم با یاء صحیح می‌دانند.
(طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۴، ص ۱۴۰ و الفارسی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۱۰۶)

۳,۹,۲. تفاوت دیدگاه‌های تفسیری با توجه به اختلاف در قرائت «تَسْبِيحٌ لَهُ»

دلیل برای کسی که «تَسْبِيحٌ» را با «تاء» خوانده، قرائت اُتِيَ «سَبَّحَتْ لَهُ السَّمَاوَاتُ» است؛
اَمَّا دَلِيلٌ أَنَّهُ بِ«يَاءٍ» خَوَانَدَه، بِه خَاظِرِ اَيْنَكِه سَمَاوَات، مَوْنِث و جَمْع قِلَّة اسْت. (ابن خالویه،
۱۴۲۱، ص ۲۱۸ و ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۷، ص ۵۵)

۳,۹,۳. ارزیابی اختلاف در قرائت «تَسْبِيحٌ لَهُ»

با توجه به اینکه از نظر نحوی، هر دو قرائت («تسبیح» و «یسبِّح») صحیح هستند، لذا
تغییری در معنا ایجاد نمی‌شود.

۳,۱۰. آیه چهل و نه و نود و هشت سوره اسراء

﴿وَقَالُوا إِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا أَوَلَمْ نَكُنْ جَوْشِقِينًا شَرًّا إِنَّا لَمَجْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا﴾ و گفتند آیا هنگامی که ما
استخوان‌های پوسیده و پراکنده‌ای شدیم، دگر بار آفرینش تازه‌ای خواهیم یافت؟
۳,۱۰,۱. اختلاف در قرائت واژه ترکیبی «إِذَا»

در موردی که دو همزه استفهامی در کنار هم قرار گیرند، شاهد اختلافی فاحش در بین
علماء هستیم:

- نافع و کسایی، همزه اول را استفهام قرار داده و دومی را خبر.
- نافع بعد از همزه «یاء» قرار می‌دهد.
- کسایی آن را با دو همزه قرائت می‌کند.
- ابن کثیر و ابوعمر در تمام قرآن بین دو همزه با یاء قرائت می‌کند (أیذا).

- ابن کثیر بعد از همزه، «مد» نمی دهد.
 - ابو عمر با «مد» می خواند.
 - عاصم و حمزه در تمام قرآن با دو همزه استفهامی قرائت می کنند.
 - ابن عامر، اول از دو استفهام را خبر قرار می دهد و با یک همزه و مکسور می خواند.
- (الدانی، ۱۴۰۴، ص ۱۳۲-۱۳۳ و الجزری، ۱۴۲۱، ص ۴۲-۴۲۲)

۳، ۱۰، ۲. تفاوت دیدگاه‌های تفسیری با توجه به اختلاف در قرائت «إِذَا»

قُرْآئِی که هر دو جمله را با استفهام خوانده‌اند، محل «إِذَا» را منصوب به فعل مقدری دانسته‌اند که جمله «أَتَأْتِي خَلْقَ جَدِيدٍ» بر آن دلالت می‌کند. در صورتی که جمله اول را بدون استفهام بخوانیم نیز عامل «إِذَا»، فعل مقدر خواهد بود. لذا جمله، به صورت استفهام است و مقصود، انکار قیامت. ابو حیان اضافه می‌دارد: حذف همزه استفهام دلالت بر آن معنا دارد که تقدیرش «إِذَا كُنَّا تَرَابًا وَعِظَامًا نَبِئْتُ أَوْ نَعَادُ» است و علت حذف برای دلالت مابعدش بر آن است. (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۳، ص ۱۶ و ابو حیان، ۱۴۲۰، ج ۷، ص ۵۹)

۳، ۱۰، ۳. ارزیابی اختلاف در قرائت «إِذَا»

«إِذَا» در دو آیه ۴۹ و ۹۸ از سوره اسراء آمده است که با وجود اختلاف نظر بسیار در قرائات آن دو، ظاهراً اختلافی در معنا ایجاد نکرده است.

۳، ۱۱. آیه شصت و چهار سوره اسراء

«أَجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكِهِمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ؛ لَشُكْرِ سَوَارِهِ وَبِيَادِهِاتِ رَا بَرَانِهَا»
گسیل دار و در ثروت و فرزندانشان شرکت جوی.

۳، ۱۱، ۱. اختلاف در قرائت واژه ترکیبی «بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ»

حفص از عاصم، «رَجِلِكَ» با کسر جیم قرائت کرده است و بقیه قُراء، «با سکون جیم در «رَجِلِكَ». (الدانی، ۱۴۰۴، ص ۱۴۰؛ ابن خالویه، ۱۴۲۱، ص ۲۱۹ و بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۲۶۱)

صاحب معجم القرائات، پس از ذکر قُرْآئِی که با فتح «راء» و سکون «جیم» قرائت کرده‌اند،

از جمله: ابوعمر، ابن عامر، ابن کثیر، نافع و عاصم از طریق ابی بکر، حمزه و کسایی، بیان می‌دارد که «رَجَلِکَ» اسم جمع مفرد است، مثل رَجَب و راکب. (خطیب، ۱۴۲۲، ص ۸۹)

۳، ۱۱، ۲. تفاوت دیدگاه‌های تفسیری با توجه به اختلاف در قرائت «رَجَلِکَ»

دلیل آنکه جیم را ساکن خوانده، این است که «رَجَل» جمع راجل (پیادگان) است. دلیل آنکه با کسر جیم خوانده، مفرد است (پیاده) و آن را صفت به معنای راجل دانسته است، مثل راکب و رکب. (ابن خالویه، ۱۴۲۱، ص ۱۴۰؛ ابن جزری، ۱۴۲۱، ص ۴۳۸؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۴، ص ۱۶۷؛ عکرمی، بی تا، ج ۱، ص ۲۳۹ و ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۲، ص ۲۴۷)

۳، ۱۱، ۳. ارزیابی اختلاف در قرائت «رَجَلِکَ»

قرائت رَجَل «با سکون جیم»، اسم جمع برای راجل است به معنای پیاده‌گان؛ ولی به خاطر هماهنگی با حرف بعدی، جیم آن را نیز با کسره قرائت کرده‌اند. از نظر لغوی، اختلاف معنایی در مفرد و جمع دارند ولی در نهایت، معنای یکسانی می‌یابند و فحوای کلام هر دو قرائت، یکسان است.

۳، ۱۲. آیه هفتاد و دو سوره اسراء

«وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا» اما آنها که در این جهان (از دیدن چهره حق) نابینا بودند، در آنجا نیز نابینا هستند و گمراه‌تر.

۳، ۱۲، ۱. اختلاف در قرائت واژه ترکیبی «فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ»

ابوبکر، حمزه و کسایی، واژه «أَعْمَىٰ» را در دو حرف، با امله قرائت کرده‌اند. همچنین ابوعمر و تنها حرف اول را با امله خوانده (منظور، حرف کلمه أَعْمَىٰ است) و بقیه قراء با فتحه قرائت کرده‌اند. (الدانی، ۱۴۰۴، ص ۱۴۰؛ جزری، ۱۴۲۱، ص ۴۳۹ و بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۲۶۳)

۳، ۱۲، ۲. تفاوت دیدگاه‌های تفسیری با توجه به اختلاف در قرائت «أَعْمَىٰ»

گفته شده دومین واژه «أَعْمَىٰ» در این آیه، صیغه تفضیل است؛ یعنی: فهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ منه فی الدنيا؛ در آخرت، نابیناتر است و راه‌های ثواب را نمی‌یابد و مؤبد آن «اضل سبیلا» است؛

لذا ابو عمرو و یعقوب، آن را به اِماله قرائت نکردند. (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۲۶۳؛ ابن خالویه، ۱۴۲۱، ص ۲۱۹ و طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۴، ص ۱۷۷)

۳، ۱۲، ۳. ارزیابی اختلاف در قرائت «أَعْمَى»

یکی از وجوه اختلاف قرائت، اختلاف در لهجه است که «اِماله» از موارد آن است و قرآن به لهجه حجاز نازل شده است. از آنجا که برخی از قبایل عرب و یا کسانی که زبانی غیر عربی داشتند، تلفظ به لهجه حجازی بر آنان دشوار می نمود، لذا طبق روایات شیعه و سنی، رسول خدا ﷺ برای تسهیل و تخفیف بر مسلمین و در حالت اضطرار، اختلاف لهجه را جایز دانسته اند؛ ولی معمولاً با قرائت اِماله، اختلاف در معنا ایجاد نمی شود.

۳، ۱۳. آیه هفتاد و شش سوره اسراء

﴿لَا يَلْبِثُونَ خِلَافَكَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ بعد از تو جز مدت کمی باقی نمی ماندند.

۳، ۱۳، ۱. اختلاف در قرائت واژه ترکیبی «خِلَافَكَ»

- ابن عامر، حفص، حمزه و کسایی با کسر خاء و فتح لام و الف بعد آن، قرائت کرده اند و بقیه قُرءاء، با فتح «لام» و سکون «لام»، «خَلَفَكَ» خوانده اند. (الدانی، ۱۴۰۴، ص ۱۴۱؛ جزری، ۱۴۲۱، ص ۴۳۹؛ ابن خالویه، ۱۴۲۱، ص ۲۲۰ و ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۴۴)

- فخر رازی از نافع، ابن کثیر و ابو عمرو و از عاصم، به عنوان قُرءاء قرائت دوم نام برده است. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۱، ص ۳۸۱ و ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۴۴)

صاحب العین گوید: واژه «خِلَافَكَ» یعنی «بعدک» و «خَلَفَكَ» به معنی متأخر است (فراهیدی، بی تا، ج ۴، ص ۲۶۵-۲۶۶). صاحب لسان العرب با آوردن مثال «جَلَسْتُ خَلْفَ فلان» (یعنی بعد از او نشستم) و بیان اینکه واژه «خِلَافَه» یعنی بعد او، هر دو کلمه را به معنای «بعد» دانسته است. (ابن منظور، ۲۰۱۰، ص ۸۲-۸۳)

۳، ۱۲، ۲. تفاوت دیدگاه های تفسیری با توجه به اختلاف در قرائت «خِلَافَكَ»

دو واژه «خَلَفَ» و «خِلَافَ»، هر دو به معنای «بعد» و مضاف محذوف است یعنی «بعد

خروجک». (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۴، ص ۱۸۸؛ ابن خالویه، ۱۴۲۱، ص ۲۲؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۲۳۹؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۴۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۱، ص ۳۸۱ و عکبری، بی تا، ج ۱، ص ۲۴۰)
۳، ۱۳، ۳. ارزیابی اختلاف در قرائت «خَلَفَ»

با توجه به نظر برخی از مفسران و اهل لغت مبنی بر اینکه: دو واژه «خَلَفَ» و «خِلَاف» به معنای «بعد» هستند، پس می توان گفت: با اختلاف در قرائت، معنای آیه دچار تغییر نمی شود.

۳، ۱۴. آیه نود سوره اسراء

﴿قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعًا﴾ گفتند ما هرگز به تو ایمان نمی آوریم مگر اینکه چشمه ای از این سرزمین برای ما خارج سازی».

۳، ۱۴، ۱. اختلاف در قرائت واژه «تَفْجُرُ»

کوفیون و یعقوب، با فتح «تاء» و ضم «جیم» و بدون تشدید قرائت کرده و بقیه قراء، تُفَجِّرُ ضمّ «تاء» و کسر جیم و مشدد قرائت کرده اند (الدانی، ۱۴۰۴، ص ۱۴۱ و جزری، ۱۴۲۱، ص ۴۴۰). برخی به قراء قرائت دوم، ابن کثیر، ابن عامر، ابو عمر، نافع و ابوجعفر را افزوده اند. (خطیب ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۱۱۷ و ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۵۳)

راغب می گوید: الفجر به معنای شکاف زیاد در چیزی مثل اینکه کسی سدی را بشکافد و افعالش «فجرت» و «فجرت» است که به یک معنا است. (راغب، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۱۷)

۳، ۱۴، ۲. تفاوت دیدگاه های تفسیری با توجه به اختلاف در قرائت «تَفْجُرُ»

کسانی که آن را با تشدید قرائت کرده اند، این عبارت را از ریشه «فَجْر» دانسته و دلیلش را «تفجیراً» در آیه ۹۱ سوره اسراء گفته اند که برای مبالغه و تکثیر است. همچنین دلیل آنکه بدون تشدید خوانده، این است که این واژه را ماخوذ از «فجر» یعنی وقتی نهرها شکافته می شوند و در آن، آب جاری می شود، دانسته اند. (ابن خالویه، ۱۴۲۱، ص ۲۲؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۱۲، ص ۲۹۰ و جزری، ۱۴۲۱، ص ۴۴۰)

علامه طباطبایی و برخی دیگر، دو کلمه «فجر» و «تفجیر» را به معنای بازکردن و شکافتن

دانسته‌اند؛ با این تفاوت که تفجیر، مبالغه و بسیاری را هم می‌رساند. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳،

ص ۲۸۱ و ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۷، ص ۱۱۲)

۳، ۱۴، ۳. ارزیابی اختلاف در قرائت «تَفْجِرُ»

بنابر اینکه «تَفْجِرُ» بدون تشدید «جیم»، ثلاثی مجرد است و با تشدید، به باب تفعیل رفته است، پس معنا یکی است. تنها وقتی به باب تفعیل می‌رود، تاکید می‌یابد؛ لذا با اختلاف در قرائت، تغییری در معنا ایجاد نشده و تنها ایجاد تاکید کرده است. البته، قرائت «حَتَّى تَفْجِرَ» با سیاق آیه سازگارتر به نظر می‌رسد.

۳، ۱۵. آیه صدوده سوره اسراء

﴿قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ؛ بگو الله را بخوانید، یا رحمن

را، هر کدام را بخوانید برای او نام‌های نیک است﴾.

۳، ۱۵، ۱. اختلاف در قرائت واژه ترکیبی «أَيًّا مَا تَدْعُوا»

- حمزه و کسایی، وقف کرده‌اند بر «أَيِّ» بدون «ما» و عوض از تنوین، الف قرار داده‌اند

و بقیه قراء، بر «ما» وقف کرده‌اند. (الدانی، ۱۴۰۴، ص ۶۱ و الجزری، ۱۴۲۱، ص ۲۶۵)

- خطیب، یعقوب را بر کسانی که وقف بر «أَيِّ» می‌کنند، افزوده است و می‌گوید که به

آن، «وقف بیان» گویند و به نقل از انباری می‌گوید: این وقف قبیح است و وقف بر «ما»،

بهبتر است از وقف بر «أَيِّ»؛ چون «ما» تاکید است. همچنین به نقل از ابن جزری، وقف را

بر هر دو واژه صحیح می‌داند مثل سایر واژه‌ها. (خطیب، ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۱۲۷)

۳، ۱۵، ۲. تفاوت دیدگاه‌های تفسیری با توجه به اختلاف در قرائت «أَيًّا مَا تَدْعُوا»

واژه «أَيِّ»، شرطیه است و مفعول تدعوا. «ما» نیز زائده است مثل این آیه «عَمَّا قَلِيلٍ لَيُصْبِحَنَّ

نَادِمِينَ» (مؤمنون: ۴۰) (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۴، ص ۲۲۹؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۳۰۹ و ابوالفتوح رازی،

۱۴۰۸، ج ۱۲، ص ۳۰۰). ابن جوزی می‌گوید «أَيَّا مَا تَدْعُوا» یعنی «أَيُّ أَسْمَاءِ اللَّهِ تَدْعُوا» و فِزَّاء، «ما» را

صله می‌داند (ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۶۱). برخی، تنوین «أَيًّا» را عوض از مضاف الیه دانسته و

«ما» را صلحه برای ابهام و تاکید که در «أَمْ» یعنی هر کدام از آن دو اسمی که گفتیم. (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۷۰۰ و فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۱، ص ۴۱۸)

۳، ۱۵، ۳. ارزیابی اختلاف در قرائت «أَيَا مَا تَدْعُوا»

اینکه وقف در هر جای قرآن جایز است مگر آنکه باعث تغییر معنایی شود، به نظر می‌رسد چون «ما» در «أَيَا مَا» زائده است، اشکالی ندارد که اگر وقف در «أَيَا» و یا «ما» باشد؛ ولی بهتر است بعد از «تدعوا» وقف شود که معنای جمله، بهتر و واضح‌تر به نظر می‌رسد.

۴. مصادیق اختلاف قرائت مؤثر در معنای آیات

بخش دوم از موارد اختلاف در قرائتات بُروز یافته در سوره اسراء، که مربوط به موارد دوازده‌گانه است، اختلاف قرائتی هستند که در معنای آیات تاثیرگذارند. در ادامه، به بررسی این موارد می‌پردازیم:

۴، ۱. آیه سیزده سوره اسراء

﴿وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا؛ رُزْقًا يَمَّتُّ كِتَابِي لِي فِي يَوْمِ الْقِيَامَةِ﴾

۴، ۱، ۱. اختلاف در قرائت واژه ترکیبی «نُخْرِجُ لَهُ»

ابوجعفر «يُخْرِجُ» با ياء مضموم و فتح راء قرائت نمود؛ يعقوب «يَخْرِجُ» با ياء مفتوح و ضم راء و بقيه قراء، «نُخْرِجُ» نون مضمومه و كسر راء قرائت کرده‌اند. (الجزري، ۱۴۲۱، ص ۴۳۵؛ ابن جوزي، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۱۴ و طبرسي، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۶۲)

۴، ۱، ۲. تفاوت دیدگاه‌های تفسیری با توجه به اختلاف در قرائت «نُخْرِجُ لَهُ»

قرائت اول: «يُخْرِجُ» یعنی: عملش بیرون آورده می‌شود. در این صورت، «کتاباً» حال است.

قرائت دوم: «يَخْرِجُ» یعنی: عملش بیرون می‌آید. طبق این قرائت نیز حال است.

قرائت سوم: «نخرج»، «کتاباً» است و احتمال دارد تمیز یا حال باشد. البته کلمه «منشوراً»

طبق هر سه قرائت، حال است. (طبرسي، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۶۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۵۳؛ ابوحیان،

۱۴۲۰، ج ۷، ص ۲۲ و عکبری، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۳۶)

۴,۱,۳. ارزیابی اختلاف در قرائت «نُخْرِجْ لَهُ»

در وجه اول، «يُخْرِجْ» مجهول است و در وجه دوم و سوم، مضارع معلوم است و اختلاف قرائات موجب اختلاف در اسناد فعل به فاعل و نایب فاعل است که به خداوند برمی‌گردد. لذا تغییر مختصری در معنا ایجاد شده است و با توجه به آیات قبل و بعد، قرائت «نخروج» با سیاق آیات سازگارتر به نظر می‌رسد.

۴,۲. آیه ۳۱ سوره اسراء

«وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشِيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْأً كَبِيرًا؛ و فرزندانتان را از ترس فقر به قتل نرسانید. ما آنها و شما را روزی می‌دهیم؛ مسلماً قتل آنها گناه بزرگی است».

۴,۲,۱. اختلاف در قرائت واژه ترکیبی «خِطْأً كَبِيرًا»

ابن کثیر «کان خِطْأً» را با کسر خاء و فتح طاء و با مد همزه قرائت کرده است؛ ابوجعفر و ابن عامر با فتح خاء و طاء و بدون مد، «خَطْأً» قرائت کرده‌اند؛ بقیه قُراء با کسر خاء و سکون طاء، «خِطْأً» قرائت کرده‌اند (الدانی، ۱۴۰۴، ص ۱۴؛ الجزری، ۱۴۲۱، ص ۴۳۷ و الفارسی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۹۶). خطیب به نقل از «نحاس» می‌گوید چنین قرائتی که ابن کثیر کرده، «خِطْأً» نشنیده و ابوحاتم می‌گوید غلط است. (خطیب، ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۵۲)

۴,۲,۲. تفاوت دیدگاه‌های تفسیری با توجه به اختلاف در قرائت «خِطْأً كَبِيرًا»

«خِطْأً» کاری است که از روی عمد صورت نگیرد و لذا کيفر ندارد و «خَطْأً و خِطْأً» دارای یک معنی هستند. چنان‌چه در «لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا» (بقره: ۲۸۶) آمده است. وجه قرائت «خِطْأً» روشن است؛ زیرا این کلمه، مصدر و به معنای گناه عمدی است مانند آیه: «لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِئُونَ» (الحاقه: ۳۷). (الفارسی، ۱۴۱۳، ص ۹۶-۹۸؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۴، ص ۱۲۹؛ ابن خالویه، ۱۴۲۱، ص ۲۱۶-۲۱۷؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۲۲ و زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۳۳)

۴,۲,۳. ارزیابی اختلاف در قرائت «خِطْأً كَبِيرًا»

اختلاف قرائت «خِطْأً» با معنای گناه عمدی و «خَطْأً» و «خِطْأً» با معنای غیر عمدی باعث

اختلاف در معنا شده است و از آنجا که «خِطاً» را برخی غلط می‌دانند و «خَطّاً» کشتن فرزندان را خطایی کبیر بدانیم، با سیاق آیه سازگار نیست؛ لذا «خِطاً» بهترین قرائت است که قول مشهور نیز هست.

۴,۳. آیه ۳۳ سوره اسراء

«مَنْ قَتَلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطٰنًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ؛ آن کس که مظلوم کشته شده برای ولی اش سلطه (حق قصاص) قرار دادیم، اما در قتل اسراف نکند».

۴,۳,۱. اختلاف در قرائت واژه ترکیبی «فَلَا يَسْرِفُ»

حمزه و کسایی، «فلا تُسرف» با «تاء» و بقیه قُراء با «ياء» قرائت کرده‌اند (الدانی، ۱۴۰۴، ص ۱۴۰ و الجزری، ۱۴۲۱، ص ۴۳۷) و فارسی، ابن عامر را به قراء قرائت اول افزوده است. (الفارسی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۹۸)

۴,۳,۲. تفاوت دیدگاه‌های تفسیری با توجه به اختلاف در قرائت «فَلَا يَسْرِفُ»

بنابر قرائت «فلا یسرف»، فاعل مقدر، ممکن است به قاتل و یا به ولی برگردد. اگر ضمیر به ولی بازگردد، منظور این است که او نباید در قتل اسراف کند و کسانی را بکشد که مرتکب قتل نشده‌اند و اگر ضمیر به قاتل بازگردد، منظور این است که او حق نداشته است مرتکب قتل شود و قتل ناحق او، اسراف است. بنابر قرائت «فلا تسرف»، مخاطب یا قاتل است یا ولی. به قاتل می‌گوید، نباید کسی را به ستم بکشی یا اینکه به ولی می‌گوید، نباید در قتل اسراف کنی و غیر از قاتل، دیگری را بکشی. ابن خالویه در قرائت اول، فاعل مقدر را تنها «ولی» می‌داند و در قرائت دوم، «ولی» و حاضران را مخاطب می‌داند. (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۴، ص ۱۳۰؛ الفارسی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۹۹-۱۰۰ و ابن خالویه، ۱۴۲۱، ص ۲۱۷)

۴,۳,۳. ارزیابی اختلاف در قرائت «فَلَا يَسْرِفُ»

اختلاف قرائت در «فَلَا يَسْرِفُ» که به صورت مخاطب و مغایب قرائت شده است، تغییر مختصری در معنا ایجاد کرده است و چون آیه سیاقی مغایب دارد، در نتیجه، قرائت «فَلَا يَسْرِفُ» أصح است.

۴,۴. آیه چهل و دو و چهل و سه سوره اسراء

﴿قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذْ الْأَبَتَّغُوا إِلَىٰ ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا؛ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا﴾؛ بگو اگر با او خدایانی آن چنان که آنها می‌پندارند بود، سعی می‌کردند راهی به سوی خداوند) صاحب عرش پیدا کنند. پاک و برتر است او از آنچه آنها می‌گویند، بسیار برتر!﴾.

۴,۴,۱. اختلاف در قرائت واژگان ترکیبی «کَمَا يَقُولُونَ» و «عَمَّا يَقُولُونَ»

اختلاف در قرائت «کَمَا يَقُولُونَ»

ابن کثیر و حفص با «یاء» قرائت کرده‌اند؛ بقیه قراء از جمله نافع، ابن عامر و ابوعمربا تاء قرائت کرده‌اند؛ (الدانی، ۱۴۰۴، ص ۱۴۰؛ الجزری، ۱۴۲۱، ص ۴۳۸؛ الفارسی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۱۰۵ و ۱۰۶؛ ابوحیان، ۱۴۲۰، ج ۷، ص ۵۳ و آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۷۹) و ابن جوزی نیز حمزه و کسایی را در شمار قرائت با «تاء» افزوده است. (ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۲۶)

اختلاف در «عَمَّا يَقُولُونَ»

حمزه و کسایی با «تاء» قرائت کرده‌اند؛ بقیه قراء با «یاء» و فارسی، قرائت حفص از عاصم را به قرائت با «یاء» افزوده است. (الدانی، ۱۴۰۴، ص ۱۴۰؛ الجزری، ۱۴۲۱، ص ۴۳۸ و الفارسی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۱۰۶)

۴,۴,۲. تفاوت دیدگاه‌های تفسیری با توجه به اختلاف در قرائت «کَمَا يَقُولُونَ» و «عَمَّا يَقُولُونَ»

ضمیر در «کَمَا يَقُولُونَ» به مشرکین برمی‌گردد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۴، ص ۱۴۲ و آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۷۹) و فراز «عَمَّا يَقُولُونَ»، تنزیه خداوند از گفته مشرکین است. البته طبرسی از احتمال عطف بر «کَمَا يَقُولُونَ» را نیز مطرح کرده است. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۸۰. بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۲۵۶. ابوحیان، ۱۴۲۱، ج ۷، ص ۵۴ و طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۴، ص ۱۴۰)

۴,۴,۳. ارزیابی اختلاف در قرائت «کَمَا يَقُولُونَ» و «عَمَّا يَقُولُونَ»

اختلاف قرائت در دو آیه ۴۲ و ۴۳ موجب اختلاف در مخاطب و مغایب و در نتیجه، اختلاف در معنا است. قرآن درباره مقابله با مشرکین آیاتی دارد که کمتر خداوند به طور مستقیم، مشرکین را مورد خطاب قرار می‌دهد مانند: ﴿وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ﴾

(یونس: ۲۰). می‌توان گفت: در این دو آیه نیز قرائت مشهور «یقولون» با سیاق آیه هم خوانی بیشتری دارد.

۴,۵. آیه پنجاه و پنج سوره اسراء

﴿آتینا داوُدَ رُبُوراً؛ به داود، زبور بخشیدیم﴾.

۴,۵,۱. اختلاف در قرائت واژه «رُبُوراً»

حمزه، با ضم زاء «رُبُوراً» قرائت می‌کند؛ بقیه قراء این کلمه را با فتح زاء «رَبُورا» می‌خوانند. (الدانی، ۱۴۰۴، ص ۹۸؛ الجزری، ۱۴۲۱، ص ۳۴۴ و الفارسی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۱۰۸)

راغب می‌گوید «رَبُور» یعنی هر کتابی که خطش درست باشد و بعد به کتاب داود «رَبُور» گفته‌اند و «رُبُور» جمع «رَبُور» است. (راغب، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۳۵۹)

۴,۵,۲. تفاوت دیدگاه‌های تفسیری با توجه به اختلاف در قرائت «رُبُوراً»

ابن جوزی به نقل از زجاج می‌گوید آنکه با فتحه («رَبُور») می‌خواند، «کتاباً» را اراده کرده است و کسی که با ضمه می‌خواند «رُبُور»، «کُتُباً» را اراده کرده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۴۹۹). اینکه حمزه «رُبُور» خوانده است دو وجه دارد:

- جمع «رَبِر» باشد که مصدر است و به معنای اسم یعنی «کُتُباً و صُحُفاً مزبوره»؛

- رُبُور یک کتاب است و «رُبُور» جمع آن. (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸، ج ۶، ص ۱۹۵ و آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۱۹۲) ابن عاشور می‌گوید: «رَبُور» اسم برای مجموع اقوال داوود عليه السلام است که بعضی از آن وحی شده و بعضی از دعاها و مناجاتی است که به او الهام شده و امروز معروف است به کتاب «مزامیر» که از کتب عهد عتیق است. (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۱۱۰)

۴,۵,۳. ارزیابی اختلاف در قرائت «رُبُوراً»

اختلاف در قرائت این کلمه، معلول اختلاف در مفرد و جمع بودن آن است یعنی «رُبُور» جمع «رَبُور» است و آن کتاب منسوب به حضرت داوود عليه السلام است. بعضی گفته‌اند علت جمع خواندن این است که جهت‌های مختلف این کتاب را در نظر گرفته‌اند که این کتاب شامل وحی و

الهاماتی است که شامل مناجات و دعاها نیز می‌شده؛ ولی در هر صورت، معنا را دچار تغییر کرده است. اما قول مشهور که اکثر قراء خوانده‌اند «زبور» با ظاهر کلام که کتاب داوود علیه السلام یک کتاب است، تناسب دارد؛ لذا ارجح است.

۴,۶. آیه شصت و هشت و شصت و نه سوره اسراء

﴿أَفَأَمِنْتُمْ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ؛ ام أَمِنْتُمْ أَنْ يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَى فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِنَ الرِّيحِ فَيَغْرِقَكُمْ بِمَا كَفَرْتُمْ؛ آیا از این ایمن هستید که در خشکی، شما را در زمین فرو ببرد یا طوفانی از سنگریزه بر شما بفرستد یا اینکه ایمن هستید که بار دیگر شما را به دریا بازگرداند و تندباد کوبنده‌ای بر شما بفرستد و شما را به خاطر کفرتان غرق کند﴾.

۴,۶,۱. اختلاف در قرائت واژه ترکیبی «أَنْ يَخْسِفَ، أَوْ يُرْسِلَ، أَنْ يُعِيدَكُمْ، فَيُرْسِلَ، فَيَغْرِقَكُمْ»

ابن کثیر و ابو عمرو، تمام پنج مورد «أَنْ يَخْسِفَ، أَوْ يُرْسِلَ، أَنْ يُعِيدَكُمْ، فَيُرْسِلَ، فَيَغْرِقَكُمْ» را با نون خوانده‌اند؛ بقیه قراء، همه آنها را با یاء قرائت کرده‌اند (الدانی، ۱۴۰۴، ص ۱۴۰؛ جزری، ۱۴۲۱، ص ۴۳۸؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۴، ص ۱۷۳؛ ابن خالویه، ۱۴۲۱، ص ۲۱۹ و ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۳۸)؛ برخی اضافه می‌دارند: ابوجعفر و یعقوب فقط «فَتَغْرِقُكُمْ» را با «تاء» قرائت کردند، به خاطر مونث بودن «ریح» که در فعل، مستتر است. (جزری، ۱۴۲۱، ص ۴۳۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۴، ص ۱۷۳ و ابن خالویه، ۱۴۲۱، ص ۲۱۹).

۴,۶,۲. تفاوت دیدگاه‌های تفسیری با توجه به اختلاف در قرائت «أَنْ يَخْسِفَ، أَوْ يُرْسِلَ، أَنْ يُعِيدَكُمْ، فَيُرْسِلَ، فَيَغْرِقَكُمْ»

آنها که همه را با «ياء» خوانده‌اند، به مناسبت «نَجَاكُمْ الْاِيَاه» مذکور در آیه قرائت می‌کنند و آنها که همه را به «نون» خوانده‌اند، ارتباط کلام را از سابق قطع کرده‌اند؛ به علاوه، آنها را مصداقی از انتقال از غیبت به خطاب دانسته‌اند. قرائت «فَتَغْرِقُكُمْ» به مناسبت عود ضمیر به «الريح» است. (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۴، ص ۱۷۳ و الفارسی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۱۱۱)

۴,۶,۳. ارزیابی اختلاف در قرائت «أَنْ يَخْسِفَ، أَوْ يُرْسِلَ، أَنْ يُعِيدَكُمْ، فَيُرْسِلَ، فَيَغْرِقَكُمْ»

ظاهراً اختلاف قرائت در مخاطب و مغایب است که تأثیر مختصری در معنا گذاشته است.

با توجه به آیه قبل که «ایاه» با ضمیر غایب آمده و با توجه به معانی آیات ۶۷ تا ۶۹ همین سوره، کاملاً معلوم می‌شود دو آیه ۶۸ و ۶۹، ادامه بحث ۶۷ است؛ لذا قرائت با «یاء» خواندن این افعال أصح است.

۴,۷. آیه هشتاد و سه سوره اسراء

﴿وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَىٰ بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يُؤْسَىٰ﴾ هنگامی که به انسان نعمت می‌بخشیم (از حق) روی می‌گرداند و متکبرانه دور می‌شود و هنگامی که کمترین بدی به او می‌رسد (از همه چیز) مایوس می‌گردد.

۴,۷,۱. اختلاف در قرائت واژه ترکیبی «و نَأَىٰ بِجَانِبِهِ»

ابن ذکوان از ابن عامر همزه را بعد از الف قرار داده «ناء» مثل شاء؛ بقیه قراء، همزه را قبل از الف «نَأَىٰ، نَتَّى» قرار داده و قرائت کرده‌اند؛ کسایی نیز آن را با اماله قرائت کرده است. (الدانی، ۱۴۰۴، ص ۱۴۱ و جزری، ۱۴۲۱، ص ۱۳۹)

۴,۷,۲. تفاوت دیدگاه‌های تفسیری با توجه به اختلاف در قرائت «و نَأَىٰ بِجَانِبِهِ»

معنای واژه «نَأَىٰ»، «بُعد» است و اسم از آن «التَّأْيُ» است.

دلیل آنکه با تأخیر همزه قرائت می‌کند، از «ناء ینوء» یعنی «نهض» (بلندشدن) و دلیل آن، ﴿لَتَتَوَّأَبًا لِّلْغُصْبَةِ﴾ (قصص: ۷۶) است (ابن خالویه، ۱۴۲۱، ص ۲۲۰ و جزری، ۱۴۲۱، ص ۱۳۹). برخی معنای «نَتَّى» را دوری از قیام به حقوق نعیم دانسته‌اند (ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۴۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۶۷۲ و آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۶۴۰) و برخی اصل معنای واژه را بُعد می‌دانند. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۸، ص ۶۴۰ و طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۲۵۶)

۴,۷,۳. ارزیابی اختلاف در قرائت «و نَأَىٰ بِجَانِبِهِ»

معمولاً با اماله خواندن واژه، اختلاف معنایی ایجاد نمی‌شود؛ ولی قرائت «نَأَىٰ» به معنای بُعد و اعراض است و «ناء» به معنای بلندشدن و «نَتَّى» به معنای اعراض کردن است که با اختلاف قرائت، تغییر مختصری در معنا ایجاد شده است.

۴,۸. آیه نود و دو سوره اسراء

﴿وَتُسْقِطُ السَّمَاءَ كَمَا زَعَمَتْ عَلَيْنَا كِسْفًا أَوْ تَأْتِي بِلِهَابٍ؛ يَا قَطْعَاتِ (سنگ‌های) آسمان را آن چنان که می‌پنداری بر سر ما فرود آری﴾.

۴,۸,۱. اختلاف در قرائت واژه «كِسْفًا»

ابن‌کثیر و ابن‌عمر با فتح «سین» قرائت نموده‌اند؛ بقیه قُراء با سکون آن قرائت کرده‌اند (الدانی، ۱۴۰۴، ص ۱۴۱ و جزری، ۱۴۲۱، ص ۴۴۰). برخی نافع و عاصم را بر قُراء قرائت اول می‌افزاید و طبرسی نیز ابوجعفر و حفص را به قرائت اول می‌افزاید و عراقیان و ابن‌کثیر را به قرائت دوم. (جزری، ۱۴۲۱، ص ۴۴۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۶۷۷ و ابن‌جوزی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۵۴)

۴,۸,۲. تفاوت دیدگاه‌های تفسیری با توجه به اختلاف در قرائت «كِسْفًا»

کسی که «كِسْف» قرائت کرده، بنابراین که آن را جمع «کسفه» قرار داده باشد، مثل «قطع» که جمع «قطعه» است و آنکه سین را ساکن قرائت کرده، تا آن را شبیه به مصدر کند، مثل علم و حلم، آن نیز معنای «قطعه دارد» و طبرسی می‌گوید «کسف» به سکون سین نیز ممکن است جمع باشد مثل «سدره» و «سدر». (جزری، ۱۴۲۱، ص ۴۴۰؛ ابن‌خالویه، ۱۴۲۱، ص ۲۲؛ ابن‌جوزی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۵۴ و طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۴، ص ۲۰۷)

۴,۸,۳. ارزیابی اختلاف

تفاوت دو قرائت در مورد «كِسْفًا»، معلول جمع و مفرد خواندن کلمه «کسف» است که تغییر مختصری در معنا ایجاد می‌کند و با ساکن خواندن سین در «كِسْف» باعث ثقیل شدن در تلفظ شده، لذا قرائت «كِسْف» از جهت معنایی و روانی در تلفظ بهتر به نظر می‌رسد.

۴,۹. آیه نود و سه سوره اسراء

﴿قُلْ سُبْحَانَ رَبِّيَ هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا مَّرْسُولًا؛ بگو آیا من جز بشری فرستاده هستم؟﴾

۴,۹,۱. اختلاف در قرائت واژه «قُل»

ابن‌کثیر و ابن‌عمر، واژه «قال» با الف را ترجیح داده‌اند و بقیه قُراء، آن را بدون الف «قُل»

قرائت کرده‌اند. (الدانی، ۱۴۰۴، ص ۱۴۱؛ الجزری، ۱۴۲۱، ص ۴۴۰ و طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۴، ص ۲۰۷)

۴،۹،۲. تفاوت دیدگاه‌های تفسیری با توجه به اختلاف در قرائت ﴿قُل﴾

بنابه قرائت ابن عامر، پیامبر گفت: سبحان ربی. بنابراین قرائت دیگران، به پیامبر گفته شد: بگو سبحان ربی. ابن خالویه می‌گوید: دلیل آنکه بنابر اخبار از رسول الله ﷺ قرائت می‌کند، رسول خدا ﷺ حکایت می‌کند و دلیل برای کسی که بنابر امر بودن قرائت می‌کند «قُل» لفظ جبرئیل است، انگار که می‌گوید «قُل یا محمد». (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۴، ص ۲۰۷؛ ابن خالویه، ۱۴۲۱، ص ۲۲۰ و عکبری، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۴۱)

۴،۹،۳. ارزیابی اختلاف در قرائت ﴿قُل﴾

در قرائت اول، اسناد به فعل ماضی و در قرائت دوم، اسناد به فعل امر است؛ لذا اختلاف قرائت، تغییر معنایی ایجاد می‌کند و با توجه به آیات قبل یعنی از آیه ۹ (که مشرکین از رسول خدا اعجازهای مختلفی را طلب می‌کنند تا ایمان بیاورند) خداوند در این آیه می‌فرماید: بگو «سبحان ربی» آیا من بشری و رسولی بیشترم؟ لذا آوردن «قُل» با فحوا و موسیقیایی کلام سازگارتر به نظر می‌رسد.

۴،۱۰. آیه صد و دو سوره اسراء

﴿قَالَ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا أَنْزَلَ هَؤُلَاءِ إِلَّا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ؛ كَذَّبْتُمْ عَنْهَا فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ؛ كَلَّا بَلْ رَأَوْا كِسْفًا مِنَ النُّجُومِ﴾
را جز پروردگار آسمان‌ها و زمین برای روشنی دل‌ها نفرستاده است.﴾

۴،۱۰،۱. اختلاف در قرائت واژه ترکیبی «عَلِمْتُمْ»

کسایی، «عَلِمْتُ» با ضم «تاء» قرائت نموده و بقیه قُراء، «عَلِمْتُمْ» با فتحه قرائت کرده‌اند. (الدانی، ۱۴۰۴، ص ۱۴۱؛ الجزری، ۱۴۲۱، ص ۴۴۰ و الفارسی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۱۲۲)

۴،۱۰،۲. تفاوت دیدگاه‌های تفسیری با توجه به اختلاف در قرائت «عَلِمْتُمْ»

«عَلِمْتُ» با ضم «تاء» بنابر اینکه ضمیر متکلم است که به موسی ﷺ برمی‌گردد؛ با فتحه تاء «عَلِمْتُمْ»، ضمیر مخاطب که به فرعون برمی‌گردد (جزری، ۱۴۲۱، ص ۴۴۰؛ ابن خالویه، ۱۴۲۱، ص ۲۲۱ و الفارسی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۱۲۲). علت فتحه تاء «عَلِمْتُمْ» این است که فرعون و تابعانش به

درستی گفتار موسی پی برده بودند. چنانچه این آیه بدان اشاره دارد: «لَئِنْ كَشَفْتَ عَنَّا الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ؛ اگر بلا را از ما دور گردانی، به تو ایمان می آوریم» (اعراف: ۱۳۴). اما اگر «علمت» با ضمه بخوانیم، یعنی موسی عليه السلام بگوید من می دانم (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶ ص ۶۸۶؛ الفارسی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۱۲۲؛ عکبری، بی تا، ج ۱، ص ۲۴۲ و بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۲۶۹) و «لقد» جمله با لام قسم و حرف تحقیق برای حصول علم فرعون آمده؛ یعنی موسی می گوید تو یقین داری که این از وحی الهی است. (ابن عاشور، بی تا، ج ۱۴، ص ۱۷۸)

۴، ۱۰، ۳. ارزیابی اختلاف در قرائت «عَلِمْتُ»

فاعل در قرائت اول، متکلم وحده است که منظور موسی عليه السلام است و در قرائت دوم، مفرد مخاطب است که منظور، فرعون است؛ لذا با تفاوت قرائت، تغییر در معنا ایجاد شده است که با توجه به آیات دیگر، بارها فرعون به حقانیت موسی عليه السلام پی برده و از او درخواست برداشتن عذاب را از جانب خدای او خواسته بود و نیز با اذعان مفسیرین، واژه «علمت» أصح به نظر می رسد.

در دو جدول زیر موارد اختلاف قرائت نشان داده شده است:

جدول شماره ۱: جدول اختلاف قرائت بدون تأثیر در معنای آیات سوره اسراء

آیه	مصحف عاصم	سایر قرائات	قاریان مغایر با عاصم
۲	تَتَّخِذُوا	يَتَّخِذُوا	ابوعمر
۷	لَيْسُوا	لَيْسُوْا	حمزه، کسایی و ابن عامر
۹	يُبَيِّنُ	يُبَيِّنُّ	حمزه و کسایی
۱۳	يَلْقَاهُ	يَلْقَاه	حمزه، کسایی، ابن عامر و ابوجعفر
۲۳	يُبَلِّغَنَّ	يُبَلِّغَنَّ	حمزه و کسایی
۲۳	أَفِّ	أَفِّ وَأَفِّ	ابن کثیر، ابن عامر، حمزه، کسایی و ابوعمر
۳۵	الْقِسْطَاسِ	قُسْطَاسٍ، قِسْطَاسٍ، قِسْطَاصٍ	ابن کثیر، نافع، ابن عامر، ابوعمر حمزه و کسایی
۳۸	سَيِّئَةٌ	سَيِّئَةٌ	ابن کثیر، نافع و ابوعمر
۴۱	لَيَذْكُرُوا	لَيَذْكُرُوا	حمزه و کسایی
۴۴	تُسَبِّحُ لَهُ	يُسَبِّحُ لَهُ	ابن کثیر، ابن عامر و نافع
۴۹	أُذًا	إِذَا، أُيْذًا، أُفَاذًا	ابن کثیر، نافع، ابوعمر، ابن عامر، حمزه و کسایی
۶۴	رَجَلِكَ	رَجَلِكَ	ابن کثیر، نافع، ابن عامر، ابوعمر، حمزه و کسایی
۷۲	أَعْمَى	أَعْمَى بَامَالِهِ، أَعْمَى	حمزه، کسایی و ابوعمر
۷۶	خِلَافَكَ	خِلَافَكَ	نافع، ابن کثیر و ابوعمر
۹۰	تَفْجُرُ	تَفْجُرُ	ابن کثیر، نافع، ابن عامر و ابوعمر
۹۸	أُذًا	إِذَا، أُيْذًا، أُفَاذًا	ابن کثیر، نافع، ابوعمر، ابن عامر، حمزه و کسایی
۱۱۰	أَيَّامًا	أَيَّ	حمزه و کسایی

جدول شماره ۲: جدول اختلاف قرائات مؤثر در معنای آیات سوره أسراء

آیه	مصحف عاصم	سایر قرائات	قاریان مغایر
۱۳	نُخْرِجْ	يُخْرِجْ، يَخْرِجْ	ابوجعفر و یعقوب
۳۱	حِطًّا	حِطًّا بَا مَد، حِطًّا	ابن کثیر، ابن عامر و ابوجعفر
۳۳	فَلَا يُسْرِفْ	فَلَا تُسْرِفْ	حمزه، کسایی و ابن عامر
۴۲	كَمَا يَقُولُونَ	كَمَا تَقُولُونَ	نافع، ابن عامر، ابوعمر، حمزه و کسایی
۴۳	عَمَّا يَقُولُونَ	عَمَّا تَقُولُونَ	حمزه و کسایی
۵۵	زُبُور	زُبُور	حمزه
۶۸	يَخْسِفُ، يُرْسِلُ	نَخْسِفُ، نُرْسِلُ	ابن کثیر و ابن عمر
۶۹	بُعِيدَكُمْ، فَيُنزِلُ، فَيُنزِلُكُمْ	نُعِيدَكُمْ، فَنُرْسِلُ، فَتُنزِلُكُمْ	ابن کثیر و ابن عمر
۸۳	وَنَأَى	اماله و نَاء	ابن عامر و کسایی
۹۳	كِسْفًا	كِسْفًا	ابن کثیر و نافع
۹۳	قُلْ	قال	ابن کثیر و ابن عامر
۱۰۲	عَلِمَتْ	عَلِمَتْ	کسایی

۱۶۴



نتیجه‌گیری

۱. قرائت، از علوم قرآنی است که در فهم، درک، ترجمه و تفسیر قرآن موثر بوده و دانشی مربوط به نحوه تلفظ قرآن کریم است.
۲. با توجه به اینکه اختلاف قرائت قُرَاء سبعة، با قرآنی که در دست عموم مسلمانان است، کم بوده و اکثراً حفظ مفهوم اصلی کلام را دربردارد، لذا عوامل عارضی مانند اختلاف در حرکت و اعراب و یا کم و اضافه شدن حروف که تغییری در معنا ایجاد کند، کمتر (بلکه اصلاً) اتفاق نمی‌افتد.
۳. از مجموع ۲۸ مورد اختلاف قرائت در سوره اسراء، ۱۲ مورد همراه با تغییر معنایی و ۱۶ مورد بدون تغییر معنایی بوده است.
۴. تغییر معنایی حاصل، به جهت اختلاف قرائات در معنای کلمات است که غالباً در نهایت، مفهوم یکسانی از آیه به دست می‌آید و گاهی تغییرات بسیار جزئی مانند مبالغه و تاکید یا التفات از مقام غایب به مخاطب و یا برعکس بوده است، ولی در بعضی موارد نیز سبب جابجایی فاعل و یا تبدیل مفرد به جمع شده است.
۵. بررسی سیاق آیات، قواعد صرفی و نحوی، سازگاری با معنای آیات و موسیقایی آن می‌تواند محقق را به قرائت درست، که همان قرائت مشهور است، راهنما باشد.
۶. اختلاف قرائت قاریان سبعة، در سوره اسراء با قرائت مشهور، کسانی با ۱۶ مورد و حمزه با ۱۵ مورد، بیشترین اختلاف را با حفص از عاصم داشته‌اند.

فهرست منابع

- قرآن کریم، ۱۳۸۴ ش، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، تهران: به نشر.
۱. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، ۱۴۲۲ ق، زاد المسیر فی علم التفسیر، تحقیق: عبدالرزاق المهدي، بیروت: دار الكتاب العربی.
 ۲. ابن خالویه، حسین بن احمد، ۱۴۲۱ ق، الحجة القرائت السبعة، بیروت: موسسه الرسالة.
 ۳. ابن عاشور، محمد بن طاهر، بی تا، تفسیر التحرير والتنویر، بی جا: بی نا.
 ۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۲۰۱۰ م، لسان العرب، بیروت: دار الصادر.
 ۵. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، ۱۴۰۸ ق، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
 ۶. ابو حیان اندلسی، محمد بن یوسف، ۱۴۲۰ ق، البحر المحيط فی تفسیر، بیروت: دار الفكر.
 ۷. آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الکتب العلمیه.
 ۸. بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ ق، انوار التنزیل و اسرار التأویل، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
 ۹. الجزری، ابوالخیر محمد بن محمد، ۱۴۲۱ ق، تحبیر التیسیر فی القرائت، الاردن: دار الفرقان.
 ۱۰. خطیب، عبداللطیف، ۱۴۲۲ ق، معجم القرائت، دمشق: دار سعدالدين للطباعة والنشر.
 ۱۱. الدانی، ابوعمر و عثمان بن سعید، ۱۴۰۴ ق، التیسیر فی القرائت السبع، بیروت: دار الكتاب العربی.
 ۱۲. _____، ۱۴۲۸ ق، جامع البیان فی القرائت السبع، امارات: جامعه الشارحة.
 ۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۸۷ ش، المفردات فی غریب القرآن، ترجمه: غلامرضا خسروی حسینی، قم: مکتبه المرتضویه لأحیاء الآثار الجعفریه.
 ۱۴. زرکشی، محمد بن عبدالله، ۱۴۱۰ ق، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دار المعرفة.
 ۱۵. زمخشری، محمود، ۱۴۰۷ ق، الکشاف عن حقایق و غوامض التنزیل، بیروت: دار الكتاب العربی.
 ۱۶. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۷۴ ش، تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
 ۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۶۰ ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: رضا ستوده، تهران: فراهانی.
 ۱۸. _____، ۱۳۷۲ ش، مجمع البیان، تهران: ناصر خسرو.
 ۱۹. عظیم زاده، فائزه، رضی، بی بی سادات و پویا زاده، اعظم، ۱۳۸۰ ش، نگرشی نوین بر تاریخ و علوم قرآنی، تهران: بنیاد قرآن.
 ۲۰. عکبری، عبدالله بن حسین، بی تا، التبیان فی اعراب القرآن، عمان - ریاض: بیت الأفكار الدولیه.
 ۲۱. الفارسی، ابوعلی الحسن بن عبدالغفار، ۱۴۱۳ ق، الحجة للقراء السبعة، دمشق: دار المامون للتراث.
 ۲۲. فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، مفاتیح الغیب، بیروت: دار التراث العربی.
 ۲۳. قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، ۱۳۶۸ ش، کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
 ۲۴. معرفت، محمد هادی، ۱۴۱۵ ق، التمهید فی علوم القرآن، قم: موسسه النشر الاسلامی.
 ۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، با همکاری جمعی از دانشمندان، ۱۳۷۴ ش، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه.